

شرق

تالاب قوری‌گل تبریز در سایه سومهدیریت در تأمین حقایق، ساخت ویلا و حفر چاه‌های آب در آستانه خشکسالی کامل قرار دارد. عکس، بهزاد عزیزپور، باشگاه خبرنگاران جوان



زمین سبز

نامه سرگشاده‌ای به سازمان حفاظت محیط زیست- بخش دوم

سلاجقه و راه پیش‌رو در محیط زیست

حسین آخانی - استاد دانشگاه تهران

می‌توانید از یک کارفرما-که اغلب دولتی یا شبه‌دولتی هم

هستند- انتظار داشته باشید ارزیابی را به گونه‌ای بنویسد که ابعاد ویرانگر پروژه را ارائه کند؟! شرکت‌های ارزیابی به دلیل وابستگی به کارفرما، معمولاً ارزیابی را به نفع پروژه و به زیان محیط زیست تهیه می‌کنند. یکی از راه‌های بدون‌رفت از این معضل، گرفتن اختیار ارزیابی توسط خود سازمان حفاظت محیط زیست است. درصورتی‌که کارفرما هزینه ارزیابی را در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست قرار دهد و سازمان با بیرون‌سپاری کار را به ارزیاب بسپارد، ارزیاب بدون ترس از پرداخت‌نشدن کارمزد، دقت بیشتری در منافع محیط زیست خواهد کرد. انتشار آزادانه گزارش‌های ارزیابی قبل از تصویب پروژه در افزایش دقت در تهیه آنها بسیار مؤثر است.

۶. یکی از بزرگ‌ترین علت‌های بحران آب و تخریب رودخانه‌های ایران، نبود نظارت کامل بر اکوسیستم‌های رودخانه‌ای است که علاوه بر آسیب به تنوع زیستی باعث بروز سیلاب‌های ویرانگر شده است. درحالی‌که بسیاری از تالاب‌های کشور خشک شده‌اند، مهم‌ترین زیست‌بوم‌های آبی داخلی ما، رودخانه‌ها هستند. حاکمیت وزارت نیرو بر رودخانه‌ها هرگز به نفع این شاه‌رگ‌های حیاتی سرزمین نبوده و تعدی به حریم آنها، برداشت شن و ماسه، ازبین‌بردن پوشش گیاهی، رهاکردن سباب و زباله به داخل آنها، سدسازی و جاده‌سازی‌های بی‌ضابطه از نمونه‌های بارز ناشی از سوءمدیریت وزارت نیرو است. در تغییر ساختار سازمان حفاظت محیط زیست، تغییر و اصلاح مدیریت اکوسیستم‌های رودخانه‌ای، تعیین محدوده حفاظتی و اقدام برای احیای آنها تأثیر بسیاری در بهبود شرایط زیستی کشور خواهد داشت.

۷. یکی از پدیده‌های نوظهور تخریب محیط زیست در ایران توسعه گردشگری مخرب «آفروده» است. متأسفانه در سایه نبود مقررات بازدارنده، این صنعت پول‌ساز به‌شدت رشد کرده است و تقریباً هیچ‌جای ایران از مرتفع‌ترین مناطق کوهستانی تا پست‌ترین و دورترین مناطق بیابانی از سیطره آفرودبازار در امان نیست. جالب است که آفرودبازار به‌تر از بسیاری از سازمان‌های مسئول، گوشه‌وکنار کشور را

پیش‌تر و در بخش نخست نامه سرگشاده‌ام به رئیس جدید سازمان حفاظت محیط زیست به نکاتی درباره کاغذی‌های پیش از این در سازمان حفاظت محیط زیست و همچنین نیازهایی که بحران‌های محیط‌زیستی ایران با آن درگیر است، اشاره کردم. در بخش دوم این نامه سرگشاده که امروز می‌خوانید، دیگر انتظاراتی را که محیط زیست ایران و فعالان این حوزه از رئیس جدید این سازمان دارند، بیان شده است.

۴. معضل آلودگی هوای شهرها پدیده شناخته‌شده‌ای است. می‌دانم که متخصصان بسیاری هستند که خیلی بهتر از من می‌توانند در این زمینه به شما کمک کنند. ولی انتظار من از جناب عالی، کمک در راستای کاهش وابستگی به خودروی شخصی و هدایت دولت به سمت تکمیل و تجهیز سیستم حمل‌ونقل عمومی کارا، باکیفیت و امن است. شما می‌توانید در کابینه، دولت را در حمایت از حمل‌ونقل پاک و سالم، به‌خصوص فراهم‌سازی امکان استفاده از دوچرخه ترغیب کنید. البته تلاش شما زمانی معنادار خواهد بود که تغییرات را از سازمان محیط زیست آغاز و استفاده از خودرو و موتورسیکلت را در محوطه پارک پردیسان حتی برای کارکنان ممنوع کنید. من در چهار دولت پیگیری ایجاد یک خط اتوبوس برای پارک پردیسان بوده‌ام و اینک از شما درخواست می‌کنم این موضوع را پیگیری کنید و در صد روز اول خدمت‌تان جشن افتتاح خط اتوبوس به پارک پردیسان و همچنین اتصال خط دوچرخه به مناطق اطراف پردیسان را-که خوشبختانه کارهای مطالعاتی آن در دوره قبلی شهرداری انجام شده است- به اجرا درآورید. درخصوص گردوغبار، لازم است که چراغ دام‌معن‌کاری، جاده‌سازی‌های غیراصولی، ساخت‌وساز بی‌ضابطه و تأمین حقایق رودخانه‌ها و تالاب‌ها که خسارت آنها از آلودگی خودروها و صنایع کمتر نیست به شکل جدی‌تری پیگیری شود.

۵. بزرگ‌ترین مشکل تخریب سرزمین در ایران، جدی‌نگرفتن ارزیابی‌های زیست‌محیطی و سطحی‌بودن آنهاست. اینکه ارزیابی زیست‌محیطی با حمایت کارفرما صورت گیرد، یک تناقض جدی در مقررات است. چگونه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۶ آذر ۱۴۰۰ - ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ - ۲۷ نوامبر ۲۰۲۱

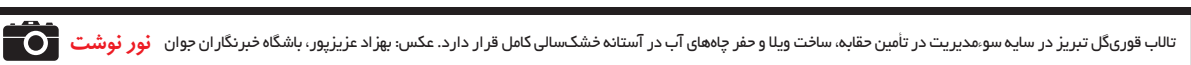
سال نوزدهم • شماره ۴۱۵۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۲

اذان صبح فردا ۵:۲۴ • طلوع آفتاب ۶:۵۳

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌رو



یادداشت

در حضرت تو توبه شکستم صد بار

زده است: امسال تاریخ ۱۰ تیر به آقای سفید زنگ زدیم و ققتم وضعیت مقبره آذر خیلی بد. ما قراره روز ۱۸ تیر برنامه داشته باشیم. دو روز بعد زنگ زدند که که جای تأسف که بعد از ۱۳ سال هنوز هیچ اقدامی نشده. همون جا ققتم، مبلغ ۱۰ میلیون برای تعمیر کاشی‌های قبر آذر آقای شهردار تقبل کردند تا بعداً کامل ساماندهی کنیم. خدا گواه که هیچ اقدامی نشد تا اینکه یک روز مانده به برنامه به من زنگ زدن و گفت شما په کاریش بکنید که دیگه مجبور شدم طرح کاشی را روی برنر چاپ و روی قبر بچسبانیم.

و این تصویر مقبره با مزاری که با کاغذ بنر ترمیم شده است



و من در جواب استاد مسرت نوشتم: «سلام و صبح بخیر. خیلی دردناک است. کاش شما اینها را به همین ترتیب بازتاب بدهید. الان مقبره ایشان در گرو همین مبلغ برای نوسازی است؟ اگر این‌طوری است ما آماده‌ایم بدون درنگ این مبلغ را پرداخت کنیم. یا دست‌کم اگر می‌خواهد بهتر شود من به دوستان در تهران بگویم مسئولیت این‌کار را بر عهده بگیرند که خیلی خوب آن را بازسازی کنند تا برسد به ساخت آن جایگاه که شایسته ایشان است».

به‌راستی اگر مدیرعامل کانون به سر همین سنگ می‌رفت و گل می‌گذاشت و عکس می‌گرفت چه چیزی از آذربیدی کم می‌شد؟ از او که چیزی کم نمی‌شد؛ اما از کانون و از شورای شهر و شهرداری یزد خیلی چیزها کم می‌شد. من سخنی با شورای شهر و شهرداری یزد ندارم؛ سخنم با کانونی است که این‌قدر هزینه‌های بریز و بپاش‌شان در این جشنواره‌ها و مراسم‌های دیگر بالاست که گاهی سر به فلک می‌زند. این کانون محترم نمی‌تواند متولی شود که ۱۰ میلیون تومان هزینه بازسازی این سنگ کنند؟ چرا مدیر کانون یزد برای این مبلغ ناچیز باید به شورای شهر برود؟ ما از چه شده است؟ من از خودم شرم می‌کنم و به آذربیدی می‌گویم: حق با تو بود هنگامی که به بنای خانواد نگاه می‌کردی و می‌گفتی «من که بروم کسی یادم نخواهد بود مگر اینکه از نام من چیزی گیرش بیاید».



جناب مسرت برای من پیام دادند: «مدیر کانون یزد برابرم نوشته چون وضعیت مقبره اسفناک است وی را آنجا نبردم».

و اما این پیام از مدیر کانون یزد که برای جناب مسرت

روزهای نارنجی

موج جدید خشونت علیه زنان پناهنده

از او برای کمک به طراحی و رهبری پروژه‌های برای حمایت از زنان پناهنده تحت تأثیر خشونت مبتنی بر جنسیت دعوت شد. پذیرفت. درحال‌حاضر کمپین برای پایان‌دادن به خشونت علیه زنان و دختران در سراسر جهان از اسپانیا و انگلیس تا السالوادور شکل گرفته و این دختران و زنان در حال تلاش برای بهبود شرایط جامعه خود هستند.



کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در آخرین گزارش خود تأکید کرد نیاز به چنین پروژه‌های محلی و تحت‌رهبری پناهندگان در طول همه‌گیری کووید۱۹ حتی بیشتر شده است؛ زیرا قرنطینه‌ها معیشت اغلب پناهندگان را از بین برده، تنش‌ها را در خانواده‌ها تشدید کرده و ارائه حمایت و خدمات را برای آژانس‌های بین‌المللی دشوارتر کرده است. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل این هشدار را پس از ثبت افزایش خشونت‌های جنسیتی در حداقل ۲۷ کشور صادر کرد. در آفریقای مرکزی هر ساعت یک مورد خشونت مبتنی بر جنسیت ثبت می‌شود و در کلمبیا، حوادث مشابهی که پناهندگان و مهاجران ورنزوالایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در ۹ ماه اول سال، ۴۰ درصد افزایش یافته است.

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل گزارش داد که استرس مالی ناشی از کووید۱۹ و کمبود غذا در خانواده‌ها در طول همه‌گیری، زنان را در معرض خطر بیشتر خشونت توسط همسران خود قرار داده است. او گفت: «از به‌اشتراک‌گذاشتن تجربیاتم با دیگران احساس شرم کردم، می‌ترسیدم بگویند تقصیر من است.»

دبورا از طریق کارش با این سازمان، با زنان دیگری که در سکوت رنج می‌بردن ملاقات کرد و زمانی که

روایت

ترازوی در ترازوی



امیر صدری*

• نمایش «اتاق» که این روزها در سالن سینما در حال اجراست، روایتی است از آنچه بر کادر درمان در مواجهه با همه‌گیری کرونا گذشت. این اثر نمایشی روایتی وفادارانه و انسانی از موقعیت ترازیک مواجهه انسانی با فاجعه است.

باید اشاره کرد که بزرگ‌ترین هنر کارگردان این نمایش (زنده‌یاد ساشا کشوادی) نه در پرداخت و بسط متنی یا طراحی صحنه هنرمندانه یا راهنمایی بازیگران یا دیالوگ‌نویسی، بلکه در رسیدن بی‌واسطه به عمق واقعیت است. نمایش بر مبنای تجربه شخصی نویسنده - کارگردان در روزها زیستن همراه با کادر درمان و مصاحبه با آنان است. درواقع بزرگ‌ترین حسن نمایش اتاق در رعینت‌بخشی به تجربه‌های زیسته انسان‌هایی است که دو سال درگیر بحران و التهاب بوده‌اند.

به‌طورمعمول بزرگ‌ترین نقطه‌ضعف اقتباس‌های داستانی از وقایع و اتفاقات تاریخی، غلو یا کم‌رنگ‌کردن وقایع و احساسات و فادارنبودن در عمق ماجراست که این‌به‌ویژه در حوزه سلامت و درمان بسیار مشهود بوده است و به‌خصوص رعایت‌نکردن نکات شغلی و حرفه‌ای این حوزه بارها و بارها باعث اعتراض اعضای کادر درمان و جامعه پزشکی شده است؛ اما اتاق آگاهانه و با فاصله‌گذاری می‌کوشد از اغراق بپرهیزد و درعین‌حال در حوزه تخصصی پزشکی و پرستاری بسیار خوب روایت شده است.

نمایش دقیقاً در آغاز مستندگونه‌بودن خود را در فرم بیان می‌کند و آشکار می‌کند که بر مبنای انجام مصاحبه‌های کارگردان اثر بر گروهی از پرستاران و کادر درمان شکل‌گرفته است.

باید گفت هنر اصلی نویسنده- کارگردان اثر عبور از مرزهای معمول خودسانسوری، اغراق یا فراموشی و کلا فیلترینگ‌های شخصی بر روایت زیسته اشخاص و رسیدن تجارب ناب انسان‌های دیگر با فاجعه است. آنچه کادر درمان واقعی در اختیار کارگردان و



نویسنده اثر قرار داده‌اند، مجموعه‌ای از نقاط بیسم و امید، کم‌دی و ترازوی و مرگ و زندگی است که بی‌واسطه و با برش‌های درست در اختیار تماشاگر اثر قرار می‌گیرد.

کارگردان هوشمندانه ساختار نمایش خود را بر مبنای مصاحبه‌ها قرار داده و در بخش اثر هم با شکستن ساختار نمایش با فاصله‌گذاری هوشمندانه، روایت مستقیم تأثیرگذار فرامتنی را به‌واسطه بخش صدای واقعی فردشونده در اختیار تماشاگر قرار می‌گیرد.

نمایش اتاق درباره ترازوی است. ترازوی مواجهه انسان با بحران و فاجعه، ترازوی ازدست‌دادن و ترازوی خطر باریک میان رنج و امید، میان داشتن و ازدست‌دادن و این ترازوی ساخته‌شده براساس واقعیت در واقعیت به اوج می‌رسد؛ چراکه تنها دو روز مانده به اجرای عمومی، کارگردان جوان نمایش بر اثر سکنه قلبی به دیار باقی می‌شتابد و ترازوی در ترازوی ثبت می‌شود. نمایش اتاق ادای دینی است به مدافعان سلامت و به‌خصوص شهدای مدافع سلامت و البته هنرمندانی که روزها و ماه‌ها وقت گذاشتند تا این حماسه‌ها را به آثار هنری ماندگار تبدیل کنند. این نمایش روایتی ساده و بی‌پیرایه و مستقیم است از آنچه بر مدافعان سلامت گذشته است. هوشمندی در استفاده از فرم درست و برش‌های تأثیرگذار کوتاه از دغدغه‌ها و سرکنشگی‌های انسانی و تصویر چالش‌ها، هراس‌ها و فداکاری‌ها نمایش را تأثیرگذار کرده است. اگرچه ضعف‌هایی در ساختار کلی نمایش به چشم می‌آید اما در کل این نمایش تلاشی درخشان برای بازنمایی یک موقعیت کاملاً تازه است که با وجود همین تماس دائمی جامعه با آن، هنوز این نمایش حرف‌هایی تازه برای مخاطبانش دارد.

***مدیر روابط عمومی نظام پزشکی تهران بزرگ**